

به تلخی دوری به شیرینی انار

«دخترانار» تجربه ای خواندنی
در قلب پاکستان

ریحانه عارف نژاد
خبرنگار



میهمان اناری در میهمانی اناری

قصه خانواده دانه های انار
در یک شب سرد طولانی

زهرابزرگ زاده
روانشناس کودک

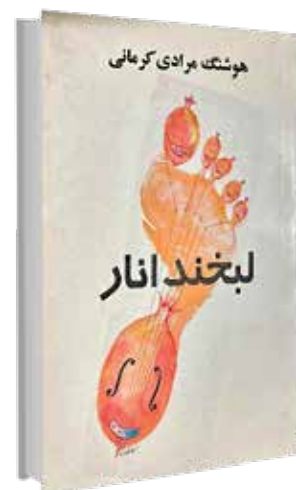


صد دانه یا قوت شب یلدا با کتاب های اناری

مریم رحیمی پور
معلم

در کتاب «شاگرد ته کلاس» یک دانش آموز سوریه ای به کلاس دانش آموزان انگلیسی می رود. همکلاسی هایش برای اینکه بتوانند او را خوشحال کنند، تصمیم می گیرند به او چیزی هدیه بدهند که یادآور سرزمینش باشد. پس تصمیم می گیرند که یک «انار» پیدا کنند. ماجرای جست و جوی انار بخش کوچکی از این کتاب است، خود کتاب هم نخواندنی است و داستان و محتوای چندان جذابی ندارد (چندین شماره پیش هم در یادداشتی مفصل در مورد این صحبت کردیم که چرا نباید این کتاب را بخوانیم). اما همین قسمت مربوط به انار همیشه در ذهن من مانده است. اینکه انار در انگلستان چیزی شبیه پشن فروت در ایران است. بچه ها برای پیدا کردن یک دانه انار مجبور می شوند به یک بازار دور دست بروند و در نهایت اناری گیرشان می آید که کوچک و چروکیده است. در حالی که ما چند هزار کیلومتر این طرف تر هر پاییز را با صد دانه یا قوت تجربه می کنیم. برایش شعر می گوئیم و حتی در شب یلدا لباس هایی می پوشیم که شبیه انار است. حالا که دوباره یلدا رسیده و اغلب فروشگاه ها فضای هندوانه ای و اناری گرفتند و بعضی ها هم دارند از خودشان می پرسند: «واقعاً کسانی هستند که شب یلدا لباس یا طرح انار و هندوانه می پوشند؟» ما تصمیم گرفتیم چند کتاب اناری برای کودکان و نوجوانان، معرفی کنیم. امسال می توانیم به جای طراحی خانه با انار یا خوردن انار یا پوشیدن لباس هایی شبیه انار، کتاب هایی بخوانیم که ربطی به انار دارند. پیشکسوت این عرصه، کتاب «لبخند انار» اثر هوشنگ مرادی کرمانی است که مجموعه ای از داستان های کوتاه است. داستان کوتاه لبخند انار ماجرای گروهی از دانش آموزان قدیمی را روایت می کند که برای تجلیل از ناظم دوران مدرسه خود کنار هم جمع شده اند و همه آنها خاطره ای از ترکه اناری دارند که ناظم برای تنبیه بچه ها از آن استفاده می کرده است. فضای داستان ها مانند باقی آثار مرادی کرمانی طنز و ساده است و به همین خاطر برای نوجوانان هم جذاب است و قابل فهم دارد اما در کنار این نکته باید توجه کرد که فضای داستان های این نویسنده برای بچه های امروز تا حدی ناملموس و درک نشدنی است. مثل تصویر ناظمی که خیلی رسمی و جدی بچه ها را با ترکه انار می زند اما می شود به همین بهانه با آنها در مورد نوجوانی نسل های قبلی صحبت کرد. از طرفی طنز موجود در داستان های مرادی کرمانی مناسب یک شب و شب نشینی طولانی، آن هم در شبی که اغلب چیزها طرحی از انار دارند، مانند جلد روی این کتاب.

در کتاب «شاگرد ته کلاس» یک دانش آموز سوریه ای به کلاس دانش آموزان انگلیسی می رود. همکلاسی هایش برای اینکه بتوانند او را خوشحال کنند، تصمیم می گیرند به او چیزی هدیه بدهند که یادآور سرزمینش باشد. پس تصمیم می گیرند که یک «انار» پیدا کنند. ماجرای جست و جوی انار بخش کوچکی از این کتاب است، خود کتاب هم نخواندنی است و داستان و محتوای چندان جذابی ندارد (چندین شماره پیش هم در یادداشتی مفصل در مورد این صحبت کردیم که چرا نباید این کتاب را بخوانیم). اما همین قسمت مربوط به انار همیشه در ذهن من مانده است. اینکه انار در انگلستان چیزی شبیه پشن فروت در ایران است. بچه ها برای پیدا کردن یک دانه انار مجبور می شوند به یک بازار دور دست بروند و در نهایت اناری گیرشان می آید که کوچک و



احتمالاً اسم پاکستان ما را بیشتر یاد محصولاتی مثل موز و انبه و ادویه می اندازد. تصورات خودم هم از این کشور خلاصه می شد به چیزهایی که قبلاً از دوستان پاکستانی می شنیدم بودم. راستش را بخواهید، اصلاً فکر نمی کردم که کتابی در آن حال و هوا را بپسندم. ولی «دختراناری» از چیزی که منتظرش بودم تجربه جالب تری بود؛ داستانی دخترانه در محیطی کاملاً متفاوت و جدید. امل، اولین دختر خانواده ای پرجمعیت است که در روستایی کوچک در پاکستان زندگی می کند. دختر بزرگ خانه، به ناچار باید بخش زیادی از کارهای منزل را به عهده داشته باشد. خصوصاً وقتی مادرش بچه دیگری به دنیا می آورد که در کمال تأسف بزرگترها، پسر نیست. امل اهل دنیای کتاب هاست و عطش آموختن رهایش نمی کند. ولی با متولد شدن نوزاد، ناچار است مدرسه را رها کند تا تمام وقت به کارهای خانه برسد و در دوران نقاهت مادر، مراقب خواهرهای کوچک ترش باشد. این اتفاق از نظر او هیچ منفانده نیست و شاید اگر پسر بود، مجبور نمی شد خانه نشین شود. امل از شرایط پیش آمده متنفر است، اما خبر ندارد که همه چیز می تواند بدتر هم بشود. پدر او بدهی هایی دارد و این دختر تنها راه صاف شدن بدهکاری های او به ثروتمندترین و با نفوذترین خانواده منطقه است. حتی اگر امل از خانه و کسانی که دوستشان دارد دور دورتر شود، نباید امیدش را به راحتی از دست بدهد. همانطور که خودش می گوید، اگر همه باور کنند که اوضاع همیشه یکسان خواهد بود، هیچ وقت تغییری ایجاد نمی شود. امل جرأت و جسارت انجام خیلی کارها را دارد و حتی با وجود ترس و تردید، شجاعانه مقابل خطرناک ترین افراد قرار می گیرد. دختر اناری، کتاب خوشخوان و سریعی است که باعث می شود به رؤیاهایتان جدی تر فکر کنید و از داشته هایتان لذت ببرید. همانطور که انار به امل امید تازه می دهد و کاشم را بعد از تلخی ها شیرین می کند.

شب یلدا، طولانی ترین شب سال است که در دل خود پیوندی کهن با کتاب و کتابخوانی دارد. حافظ خوانی و شاهنامه خوانی این شب تاریک و بلند را روشن و کوتاه می کند. اما بچه ها هم در بین بزرگ ترها شب را سحر می کنند و چه خوب می شود اگر مادر بزرگ ها و پدر بزرگ ها برای بچه ها هم قصه تعریف کنند یا کتاب بخوانند. کتاب های بازویسی شده ادبیات کهن برای کودکان، کتاب های مناسبی برای خواندن در شب نشینی یلدا هستند اما اغلب برای سنین بالاتر از ۴-۳ سال مناسبند. در این نوشتار می خواهم کتاب «میهمان اناری» را برای کودکان این سنین معرفی کنم.

این کتاب را سپیده خلیلی نوشته و انتشارات پرتقال آن را به چاپ رسانده است. داستان میهمان اناری، داستان کرم سفیدی است که شب سردی داخل اناری می شود. مادر انارها نگران می شود و می خواهد کرم سفید را بیرون کند اما دانه های انار دلشان می سوزد و او را بین خودشان جا می دهند... جان بخشی به میوه ها اغلب برای کودکان خیلی جالب و قابل درک است. میل کردن انار و شنیدن یک داستان اناری از زبان مادر بزرگ ها و پدر بزرگ ها در طولانی ترین شب سال در زیر کرسی قطعاً تجربه ای لذت بخش خواهد بود. امیدوارم تجربه شب نشینی شیرین و پر خاطره ای در کنار خانواده داشته باشید.

داستان میهمان اناری، داستان کرم سفیدی است که شب سردی داخل اناری می شود. مادر انارها نگران می شود و می خواهد کرم سفید را بیرون کند اما دانه های انار دلشان می سوزد و او را بین خودشان جا می دهند... جان بخشی به میوه ها اغلب برای کودکان خیلی جالب و قابل درک است. میل کردن انار و شنیدن یک داستان اناری از زبان مادر بزرگ ها و پدر بزرگ ها در طولانی ترین شب سال در زیر کرسی قطعاً تجربه ای لذت بخش خواهد بود. امیدوارم تجربه شب نشینی شیرین و پر خاطره ای در کنار خانواده داشته باشید.

داستان میهمان اناری، داستان کرم سفیدی است که شب سردی داخل اناری می شود. مادر انارها نگران می شود و می خواهد کرم سفید را بیرون کند اما دانه های انار دلشان می سوزد و او را بین خودشان جا می دهند...

داستان میهمان اناری، داستان کرم سفیدی است که شب سردی داخل اناری می شود. مادر انارها نگران می شود و می خواهد کرم سفید را بیرون کند اما دانه های انار دلشان می سوزد و او را بین خودشان جا می دهند...

حتی اگر امل از خانه و کسانی که دوستشان دارد دور و دورتر شود، نباید امیدش را به راحتی از دست بدهد. همانطور که خودش می گوید، اگر همه باور کنند که اوضاع همیشه یکسان خواهد بود، هیچ وقت تغییری ایجاد نمی شود.